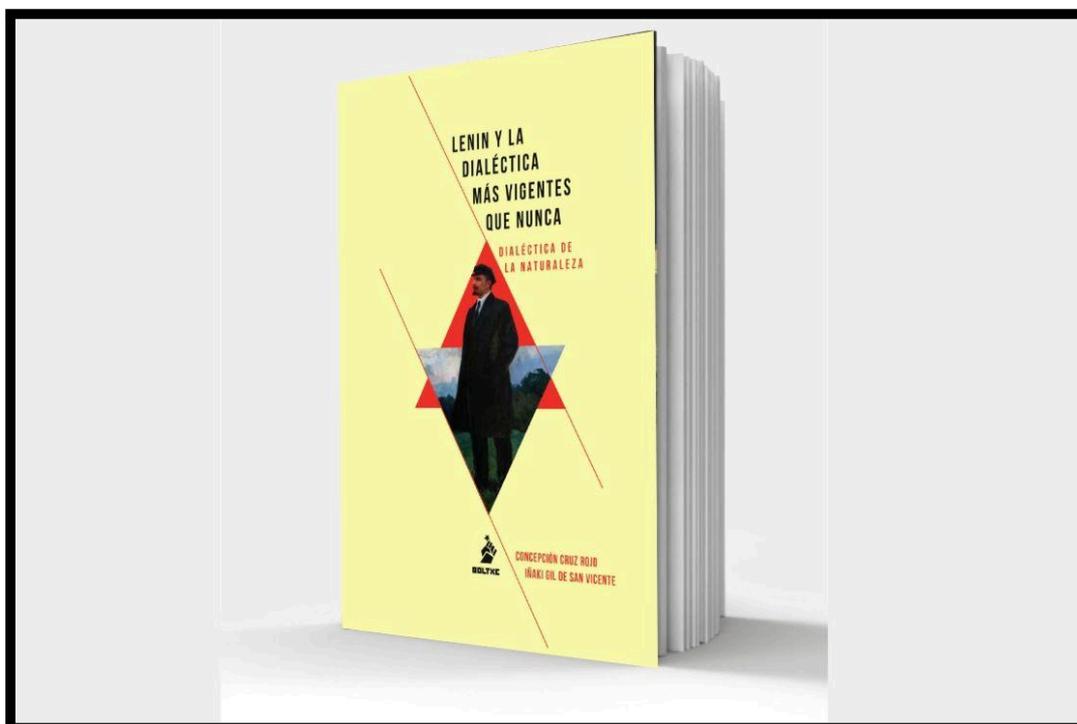


«لنین و دیالکتیک: حضوری همواره پایدار»



معرفی کتاب

«لنین و دیالکتیک: حضوری همواره پایدار»
ایناکی گیل د سان ویسنته و کنسپسیون روخو
ترجمه جنوب جهانی

ما از پیش می‌دانستیم که دیالکتیک ضروری است. اکنون با شدت گرفتن تحولات سیاسی و تشدید خشونت‌ورزی امپریالیستی، این ضرورت بیش از پیش آشکار شده است. در همین حال، تفکر علمی با نوعی بی‌منطقی فزاینده مواجه است که هم دستاوردهایش را انکار یا نسبی می‌کند و هم اهمیت مادی‌گرایی و دیالکتیک را زیر سؤال می‌برد. لنین نیز، که به حق «فیلسوف مبارز» نامیده شده، این امر را به ما نشان می‌دهد. او دیالکتیک را به‌عنوان تنها روش برای درک تحولات مختلف به‌روز می‌کرد، به‌ویژه تحولات درونی شیوه تولید سرمایه‌داری که همراه با تغییرات طبیعت، تأثیر عمیقی بر نوع بشر می‌گذارند.

کتاب مورد بحث در خلال گفت‌وگویی با دیگر فعالان به‌وجود آمد، زمانی که درباره ضرورت و اهمیت دیالکتیک و متونی که پیش‌تر در این باره نوشته بودیم صحبت شد. به این ترتیب، این کتاب دقیقاً در صدمین سالگرد درگذشت لنین در ژانویه 2024 شکل گرفت. همانند هر اثر دیگری، این کتاب نیز فراز و نشیب‌هایی را پشت سر گذاشته است تا به اهداف سیاسی، مبارزاتی و نیاز تاریخی پاسخ دهد، و همچنین به ضرورت شخصی ما برای نوشتن کتابی مشترک، مشابه آنچه تقریباً یک دهه پیش انجام دادیم. در آن کتاب، به مقابله میان حقوق بشر سوسیالیستی و «حقوق بشر» بورژوازی پرداختیم. توجه داشته باشید که حقوق بشر سوسیالیستی را بدون علامت نقل‌قول آورده‌ایم، در حالی‌که برای حقوق بشر بورژوازی این کار را انجام داده‌ایم. آیا «حقوق بشر» بورژوازی که برای هر شرایط و زمانی معتبر تلقی می‌شود، جهانی و جاودان است؟

این پرسش نمونه‌ای از تفکر در چارچوب منطق صوری و عقل سلیم است، اما در واقعیت، حتی در حقوق بشر نیز وحدت و تضاد میان دو عنصر ناسازگار وجود دارد: از یک سو، «حقوق» ناتو-نازی و صهیونیست-نازی برای سرکوب فلسطین، لبنان، سوریه، یمن و جمهوری‌های خلق دونباس که توسط روسیه آزاد شده‌اند؛ و از سوی دیگر، حقوق ستمدیدگان برای دفاع از خود و

بازپس‌گیری سرزمین‌ها و فرهنگ‌هایشان. مارکس پیش‌تر هشدار داده بود که تنها قدرت است که تعیین می‌کند کدامیک پیروز می‌شود: «حق» سرمایه‌داری برای اعمال وحشت و نسل‌کشی یا حق سوسیالیستی برای زندگی و صلح. تمایز قائل شدن میان این قطب‌های متضاد، ما را قادر می‌سازد که ارتباطات میان آنها را درک کنیم، مانند ارتباط بین نازیسم و صهیونیسم. در اینجا اخلاق و آزادی، در برابر بربریت، بار دیگر ضروری می‌شوند، همان‌طور که در نسل‌کشی فلسطین می‌بینیم. زیرا سخن گفتن از صلح و صلح‌طلبی در بربریت امپریالیستی، به اندازه خشونت و اخلاق بورژوازی که تحت کنترل رسانه‌ها و ابزارهای دیگر دستکاری روانی اعمال می‌شود، غیر اخلاقی است. اما زمانی که این ابزارها نمی‌توانند وحشت انگلو-صهیونیستی را، همان‌طور که در غزه و لبنان شاهدیم، پنهان کنند، صلح‌طلبان با سخنان بی‌پایه و پوچ خود برهنه می‌شوند.

این کتاب ادای احترامی است به لنینی که بیشترین تأکید را بر دیالکتیک و نقد از خود داشت، بدون اسطوره‌سازی یا بت‌انگاری. همچنین، دیالکتیک را به‌عنوان روشی اساسی برای جهت‌دهی به تحلیل‌های سیاسی، اجتماعی و علمی معرفی می‌کند، تا افکار و اقدامات ما هرچه دقیق‌تر و هماهنگ‌تر باشد. همان‌طور که لنین نشان داد، تعمیق در دیالکتیک برای گم نکردن جهت در لحظات تاریخی‌ای که تناقضات امپریالیسم و متحدانش شدت می‌یابند، ضروری است. این تناقضات شامل نظامی‌گری، واکنش‌گرایی، و فاشیسم خشونت‌آمیز و نسل‌کشانه می‌شوند که تمرکز اصلی‌شان بر فلسطین اشغالی است. در اصطلاح لنینی، فلسطین «حلقه ضعیف زنجیره امپریالیستی» است.

فلسطین گره کوری در خاورمیانه است که خود نقطه اتصالی میان دو محور ژئوپلیتیک سرنوشت بشر است: یکی از سیبری تا آفریقای جنوبی و دیگری از سواحل آتلانتیک ایالات متحده تا چین از طریق مدیترانه. خاورمیانه، با ذخایر گاز و نفت و حجم عظیم ثروتی که از آن عبور می‌کند، به‌طور فزاینده‌ای اهمیت پیدا کرده است. اگر امپریالیسم این منطقه را از دست دهد، و اگر موجودیت

صهیونیستی به نام «اسرائیل» نابود شود و یک دولت فلسطینی یگانه، دموکراتیک و سکولار تشکیل شود، امپریالیسم نیز به پایان خواهد رسید. از این رو، می‌توان فهمید که چرا ایالات متحده از سال 1959 تاکنون حدود 251.2 میلیارد دلار برای «کمک» به موجودیت صهیونیستی هزینه کرده است.